عروس وحى

سيد هادى عظيمى

آيات قرآن و كلام وحى همواره از زيباترين و شيواترين كلمات برخوردار بوده اند, به گونه اى كه نه در كلام عرب و نه در هيچ كلام ديگرى همانند نداشته و نخواهند داشت.

الفاظ كلام الهى از لحاظ كيفيت چنين كلمات و نظم زيباتر از هر نظم و نثر و از نظر مفاهيم و معانى دقيق و عميق آن, شيواتر از هر سخن و كلام ديگرى است.

اما در ميان آيات و سوره هاى قرآن, بعضى از درخشندگى و برجستگى خاصى برخوردارند كه ائمه(عليهم السلام) به آنها اشاره كرده اند. از آن جمله سوره ((الرحمن)) است كه ((عروس قرآن)) لقب گرفته است.(1)

اما چرا ((عروس)) و نه چيز ديگر؟ معلوم است كه به خاطر زيبايى اين سوره است, آن هم زيبايى مفاهيم اين سوره, نه زيبايى ظاهر آيات و الفاظ آن; چه اينكه ظاهر آيات اين سوره چندان تفاوتى با ديگر سوره ها ندارد و شايد بتوان سوره هاى زيباترى هم از نظر نظم و نثر در قرآن پيدا كرد كه به آنها لقب ((عروس)) داده نشده است.

اما باز اين سوال مطرح است كه چه مفاهيم و معانيى در اين سوره وجود دارد كه موجب شده اين سوره لقب ((عروس)) به خود بگيرد, در حالى كه مى بينيم همين مطالب يعنى تذكر به نعمت هاى خدا و توبيخ مكذبين در جاهاى ديگر قرآن هم آمده است; با اين حال چرا فقط اين سوره را عروس قرآن ناميده اند؟!

شايد بتوان به اين سوال با دو احتمال پاسخ داد. اول اينكه بگوئيم گرچه اين مفاهيم در جاهاى ديگر قرآن هم آمده است; اما تذكر به همه آنها در يك جا, به اين صورت كه در اين سوره تكرار شده است, در جاى ديگرى از قرآن به چشم نمى خورد. اما احتمال دوم كه به نظر مى رسد به واقعيت نزديكتر باشد, آن است كه اين سوره همانند عروس زيبايى در ديبا فرو رفته و در پس پرده حجله پنهان شده است. يعنى در پس پرده مفاهيم و معانى ظاهر آيات با چهره اى زيبا و در نهايت حسن پنهان شده كه با سرانگشت اشاره محرمان وحى خودنمائى مى كند.

و اين گونه آيات گرچه در سوره هاى ديگر قرآن هم هست, اما در اين سوره همچنان كه اشاره خواهد شد, با كنايه و استعاره و ايهام بيشترى نازل شده است و همين باعث مى شود كه اين سوره زيباتر از سوره هاى ديگر باشد و شباهتش به عروس بيشتر شود; زيرا كه حسن و زيبايى عروس (همچنان كه در آيه 72 همين سوره به آن اشاره شده است) در اين است كه در زير تور و پشت پرده باشد: (حور مقصورات فى الخيام)

بعضى از مفسرين نمونه هايى از اين پرده بردارى از الفاظ و معانى ظاهرى و كشف جمال اين حقيقت پنهان شده را بيان كرده اند كه در اين مقال, به طور اجمال به آنها مى پردازيم:

علامه مجلسى در ((بحار)) از على بن ابراهيم قمى چنين نقل كرده است(2):(الرحمن علم القرآن); يعنى ((علم محمدا القرآن))و درباره آيه (خلق الا نسان) مى فرمايند: ذلك اميرالمومنين (عليه السلام) (علمه البيان);يعنى ((علمه بيان كل شىء يحتاج الناس اليه)) و درباره (الشمس و القمر بحسبان) مى فرمايند كه مراد آن دو نفر هستند (اولى و دومى از غاصبان خلافت), كه در قيامت به عذاب خدا گرفتار مى شوند; به اين صورت كه نور ظاهرى آنها به عرش برمى گردد و حرارت آنها هم كه از جهنم بوده است, به جهنم برمى گردد و تعبير ((شمس)) و ((قمر)) براى آن دو نفر به اين جهت است كه پيروان آنها آنان را خورشيد اين امت و نور آن مى دانند. و به خدا سوگند كه غير از آن دو نفر كسى مراد خداوند نيست و نيز درباره اين آيه (و النجم و الشجر يسجدان) فرموده اند كه ((نجم)) رسول خدا(صلى الله عليه و آله و سلم) است كه خداوند در جاى ديگر قرآن هم به ايشان لقب نجم داده است. (در سوره نحل آيه :16 ( و علامات و بالنجم هم يهتدون) كه علامات اوصيإهستند و نجم رسول خدا(صلى الله عليه و آله و سلم).)

و آيه (و السمإ رفعها و وضع الميزان) را نيز چنين معنا مى فرمايند كه ((سمإ)) رسول خدا(صلى الله عليه و آله و سلم) است كه خداوند او را بسوى خودش بالا برده است و ((ميزان)) اميرالمومنين(عليه السلام) است كه او را براى خلقش نصب كرده است و درباره آيه(الا تطغوا فى الميزان) مى فرمايند كه بر امام با عصيان از دستوراتش طغيان نكنيد ( و اقيموا الوزن بالقسط); يعنى: براى خود امام عدل اقامه كنيد.(و لا تخسروا الميزان); به امام ظلم نكنيد و حقش را كم نگذاريد.

و اما درباره (فباى آلا ء ربكما تكذبان) چنين مى فرمايند كه اين آيه در ظاهر خطاب به جن و انس است ولى در باطن مراد, آن دو نفر (غاصبان خلافت) هستند.

و اين مطالب از امام صادق (عليه السلام) در كتاب ((كنز الفوائد و تإويل الايات الظاهره)) هم روايت شده است كه علامه مجلسى در ((بحار)) از آن نقل كرده است.(3)

اين در حالى است كه درباره آيات ديگر اين سوره هم به همين منوال پرده از چهره زيباى حقيقت كنار زده شده و مقدارى از وجاهت و زيبايى آن را آشكار كرده اند.

علامه مجلسى در ((بحار))(4) از كتاب ((كنز الفوائد)) از ابوذر(قدس سره) از پيامبر گرامى اسلام(صلى الله عليه و آله و سلم) درباره آيه (مرج البحرين يلتقيان) روايت كرده است كه آن دو بحر على و فاطمه(عليهماالسلام) هستند كه هر يك دريايى از علم هستند و يكى بر ديگرى خروج نمى كند و (يخرج منهما اللولو و المرجان) حسن و حسين(عليهماالسلام) هستند.

شيخ صدوق در ((خصال)) و ابن شهر آشوب در ((مناقب)) و ديگران نيز اين روايت را نقل كرده اند. حال با اين نمونه ها, ما مى توانيم به جمع بندى زيبايى دست پيدا كنيم و آن اينكه سوره الرحمن در توصيف زيباترين مخلوقات خداوند و تذكر به قدردانى از اين نعمت هاى حقيقى و توبيخ تكذيب آنها نازل شده است و لقب ((عروس)) سزاوارترين لقب براى اين سوره است و نبايد از اين نكته غافل بود كه تعبير آيات اين سوره همه, به حكم وحدت سياق, بايد بر همين منوال براهل بيت پيامبر(صلى الله عليه و آله و سلم) تطبيق شود تا وحدت سياق اين سوره خدشه دار نشود.

گر چه درباره آيات ديگر اين سوره چنين تفاسيرى از اهل بيت(عليهم السلام) به ما نرسيده است ولى مشابه آنها در احاديث ديگرى وارد شده است كه منطبق بر مفاهيم اين آيات است و شايد بتوان با كمك آنها مراد و مقصود واقعى بقيه آيات اين سوره زيبا را پيدا كرد و اشاره مفسران كلام الهى و امانتداران وحى به بعضى از آنها و فروگذارى از بيان بعضى ديگر, از باب اين است كه ((تو خود حديث مفصل بخوان از اين مجمل.))

پى نوشت ها

1. مستدرك الوسائل, ج 4, ص :351 روى عن موسى بن جعفر, عن آبائه عنه قال: ((ولكل شىء عروس و عروس القرآن سوره الرحمن ـ جل ذكره ـ )).

2. بحار الانوار, ج 24, ص 67, 36,171.

3. بحار الانوار, ج 24, ص 309 و ج 30, ص 256.

4. بحار, ج 24, ص 97, 98 و 99.